

نگاهم باز می شود و به یاد چهره نورانی آیت ا... صفایی حائری یا همان «عین، صاد، خودمان می افتم که همه چیز را ذیل نگاه و کرامت و امانت داری امام رضا (ع) معنا می کرد، اصلاً بخش زیبایی از حیات طیبه او به سفرهای مشهد تعلق داشت. چرا که پایان ماه و اول ماه بعد خود را به مشهد می رساند.

می گفت: اگر جسم با ۲ روز حمام نرفتن بومی گیر، روح بایک نیت بد سیاه و کدر می شود. به همین خاطر به امام رضا (ع) پناه می برد که در زیارت یک شنبه حضرت زهرا (س) آمده است: «انا قد طهرنا بولایتهم»؛ ما با ولایت آنان تطهیر می شویم. می گفت: زیارت امام رضا (ع) مثل حمام است و با این نیاز به درگاه امام می شتافت.

روزی یکی از دوستان مشهدی گفته بود: بباید منزل ما خالی است. ایشان از آدرس خانه آن جوان پرسید و پاسخ شنید که مثلاً: نخریسی! فرمود: دور است. من جایی دور و بر حرم می خواهم. پرسیدند: چرا این قدر نزدیک؟ فرمود: آخر آلوده ها لب حوض می نشینند!

آن قدر یقین به رأفت و دست گشایشگر آقا داشت که وقتی گدایی در نزدیکی حرم امام رضا (ع) از او چیزی خواست، با آن همه دست و دل بازی محل گذاشت و اعتنائی به او نکرد... و وقتی اصرار فقیر را دید، فرمود: بی سلیقه ای! آدم در کنار دریا از یک پیت حلبی آب نمی خواهد!...

نوع نگاه استاد و برخورد او، بر همه مخاطبی تأثیر می گذاشت و من مطمئنم از این پس آن سائل هم وقتی چشمانش به گنبد طلایی حضرت بیفتد، در خواهد یافت، نباید به سوی آدم های دیگر حتی اگر «مطلا» باشند دست دراز کند، بل او و همه ماها باید پنجه در خرمنی زنیم که خورشید هم از آن خوشه برمی گیرد و باید بخوانیم صلوات خاصه را که خورشید و ماه و کهکشان ها می خوانند؛

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا المَرْتَضَى الإمامِ الثَّقِيِّ النُّقْى وَ حُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقِ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصَّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَوةً كَثِيرَةً تَامَةً؛ أَكْبَرَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

و یادمان باشد، زیارت اگر تنها رقص لب ها باشد، لب جانمان از این «یم» جز به اندازه «نم» بر نمی گیرد، از این دریا کسانی «مروارید» می گیرند که باور کنند همه خوبی ها از این آستان است و زیارت برایشان عرضه خویش و باور هایش در محضر امام باشد، آن گونه که در عصر ائمه مردم به محضرشان می رفتند

پایدار و شکیباً نباشد خود را مسخره کرده است.
۵. آن کس که از آتش جهنم به خدا پناه جوید و شهوات دنیا را ترک نکند خود را به مسخره گرفته است.
۶. آن کس که به یاد مرگ افتد و خود را مهبیای آن نسا زد خود را مسخره کرده است.
۷. آن کس که خدا را یاد کند و مشتاق دیدار او نباشد، خود را مسخره کرده است.

وی پرهیز می دهد از رفتاری چنین اما وقتی که صدق گفتار را، رفتار تصدیق کرد، امانت سپردن خویش و فرزندان خویش و... را کاری نیکومی داند و می گوید: ما امام را حجت خدای دانیم و به دنبال امانت گذاری نزد او هستیم در آموزه های دینی نیز به این اشاره شده است و در نمازی که قبل از سفر توصیه شده است می خوانیم «اللهم انی استودعک الیوم نفسی و اهلی و مالی و ولدی و...» که می توان چنین ترجمه کرد که؛ خدایا امروز به تو می سپارم خود و خاندانم و مال و فرزندانم و هر که را به طریقی از من است، حاضر و غایبشان را. خدایا ما را به حفظ ایمان حافظ باش و از ما محافظت فرما. خدایا ما را در حمایت رحمت قرار ده و فضلت را از ما مگیر، ما تنها به جانب تو راغبیم. خدایا از رنج سفر و اندوه بازگشت و بدی دیدار، در خاندان و مال و فرزند در دنیا و آخرت به تو پناه می بریم خدایا به تو رو می کنم و در این رو کردن، خواستار خشنودی و تقرب به سوی توام، پس مرا به آن چه از تو و اولیای تو آرزو می کنم و امید دارم برسان، ای مهربان ترین مهربانان.

پس اگر همه جانبه رو کنیم به حجت خدا، خدا هم همه جانبه ما را تحت حمایت قرار می دهد. اصلاً «افوض امری الی...» ان... بصیر بالعباد، اشاره روشنی به همین مسئله است. از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که؛ در شگفتی از کسی که با او مکر و نیرنگ شده است، چگونه به این سخن خداوند «وَأَفْوضُ أَمْرِي إِلَيَّ...» ان... بصیر بالعباد پناه نمی جوید؟! زیرا از خدای بزرگ شنیده ام که در پی آن می فرماید: «پس خداوند او را از بدی های نیرنگشان نگاه داشت». (سوره غافر، آیه ۴۴)
بله، امانت دار خوبی است. ما هم اعتماد می کنیم به خوبان، به خوبی که حجت خداست و اسوه خوبی. حیفاست در شهری که امام رضا (ع) هست به سراغ دیگری برویم...

کنار دریای نور

استاد الهی خراسانی، می گوید و می گوید و پنجره ای فراروی

زیارت اگر تنها رقص لب ها باشد، لب جانمان از این «یم» جز به اندازه «نم» بر نمی گیرد، از این دریا کسانی «مروارید» می گیرند که باور کنند همه خوبی ها از این آستان است و زیارت برایشان عرضه خویش و باور هایش در محضر امام باشد، آن گونه که در عصر ائمه مردم به محضرشان می رفتند و ایمان خویش را عرضه می کردند

امام رضا (ع) و چه امانتی بزرگ تر از انسان، ایمان انسان، جان انسان، سلامت انسان، هم کار خوبی است این «امانت سپردن» و هم مبارک جایی است برای امانت و هم امین بزرگی است. منتهی باید حواسمان باشد که وقتی فرزندان را، خودمان را به امانت می سپاریم، نگذاریم امانت سوز بدان هجوم برند. نمی شود دخیل بست و رو به راه دیگر رفت، چنان که نمی شود از خدا آمرزش خواست و باز به گناه برخاست، استاد الهی خراسانی هوشیارمان می کند که باید «باتوکل» زانوی اشتر را بست. باید بیمه کرد و از حوادث بیمه سوز اجتناب ورزید. چنان که برای حفظ سلامت باید از آلودگی ها پرهیز کرد. استاد آن گاه به روایتی از امام رضا (ع) اشاره می کند که؛ ۷ چیز در صورتی که بدون ۷ چیز دیگر باشد نوعی مسخره کردن است:
۱. آن کس که به زبان، از خدا آمرزش طلبد و در دل از گناه کردن پشیمان نباشد، خود را به مسخره گرفته است.
۲. آن کس که از خدا درخواست توفیق و چاره سازی کند، ولی کوشش و تلاش نکند، خود را مسخره کرده است.
۳. آن کس که به دنبال احتیاط در امور باشد ولی (از شبهات و مجرمات) پرهیز و دوری نکند خود را مسخره کرده است.
۴. آن کس که از خدا بهشت بطلبد و بر شداید و سختی ها